

## وضع آموزشی بانوان دربار صفوی بر اساس سفرنامه‌ها و نگاره‌ها

سمیه کرمی<sup>1</sup>، فهیمه مخبردزفولی<sup>2</sup>، هادی عالم‌زاده<sup>3</sup>  
(دریافت مقاله: 96/10/16 - پذیرش نهایی: 97/04/24)

### چکیده

وضع زنان حرم‌سرای شاهی در دوره صفوی از موضوعات مورد توجه سفرنامه‌نویسان اروپایی بوده است که بیشتر در قالب هیأت‌های سیاسی و مذهبی به دربار ایران رفت و آمد داشتند. برخی از آنها، بانوان عصر صفوی، به‌ویژه بانوان حرم‌سرای شاهی را زنانی تنگ‌نظر و تن‌پرور دانسته‌اند که قادر به انجام هیچ کار مهمی نبوده و صرفاً ابزار کامجویی مردان و انجام وظیفه فرزندآوری بودند. از نظر آنها، زنان محصور در دربار به هیچ نوع آموزش و کسب مهارت دسترسی نداشتند و اوقات مرارت‌بار خود را به بطالت می‌گذراندند؛ اما در گزارش‌های برخی از مورخان عصر صفوی و سفرنامه‌نویسان اروپایی، به تلاش و تکاپوی بانوان حرم‌سرا برای کسب علوم و فنون عصر خویش و آموزش‌های نظری و عملی آنها در حوزه‌های گوناگون علمی اشاره شده که بیانگر حضور زنانی فرهیخته و خیر در دربار صفوی است؛ چنان‌که برخی از نگاره‌های عصر صفوی نیز مؤید این دیدگاه است. در این مقاله با تکیه بر گزارش‌های جهانگردان و تطبیق آن‌ها با برخی از نگاره‌های عصر صفوی، به مقایسه بین دو دیدگاه پرداخته و وضع آموزشی بانوان حرم‌سرا بررسی شده است.

**کلید واژه:** آموزش زنان، حرم‌سرا، دربار صفوی، سفرنامه‌های اروپایی، نگاره‌ها

1. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
Email: sokarami16@gmail.com
2. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: f.mokhber@srbiau.ac.ir
3. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
Email: h-alemzadeh@srbiau.ac.ir

### مقدمه

یکی از شاخصه‌های بارز فرهنگ و تمدن در هر عصری، وجود نهاد آموزش و توجه به امر تعلیم و تربیت و به تبع آن، پرورش صاحبان ذوق و اندیشه در عرصه علم و ادب و هنر است. دین اسلام علم‌آموزی را فریضه‌ای دانسته که محدودیت زمانی و مکانی ندارد و مقید به جنسیت خاصی نیست و سیره‌ی عملی پیامبر اکرم(ص) در خصوص آموزش بانوان صدر اسلام نیز مؤید این مدّعا است (انصاری، ۲۸۰/۳)؛<sup>۱</sup> اما به‌رغم توجه ویژه اسلام به تعلیم و تربیت، موضوع آموزش زنان در تحقیقات تاریخی مغفول مانده و کمتر بدان پرداخته شده است. منابع تاریخی مربوط به دوره‌ی صفویه نیز به‌سبب برخی محدودیت‌های عرفی، کمتر در این مورد سخن گفته‌اند؛ البته جهانگردان اروپایی با همه دشواری‌ها و تنگناها، گزارش‌هایی عرضه کرده‌اند که در درک وضع زنان دوره صفوی می‌تواند کارگشا باشد. اما برای یافتن اطلاعات بیشتر و همچنین تطبیق بعضی از اطلاعات جهانگردان، از نگاره‌های صفوی هم استفاده شد، زیرا می‌توان در بررسی نگاره‌ها شواهدی یافت که پژوهشگر را در پاسخ به پرسش اساسی این پژوهش‌یاری می‌دهد. در تحقیق حاضر نگارندگان می‌کوشند با مطالعه گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی از وضع بانوان حرم‌سرای شاهان صفوی و بررسی نگاره‌های مکتب تبریز (نک. کنبی؛ گری؛ ولش، استوارت کری)<sup>۲</sup> به این پرسش‌ها پاسخ دهند که آیا این بانوان از آموزش، یا آموزش‌هایی برخوردار بوده‌اند؟ آیا آموزش‌های آنان تأثیری در ارتقای جایگاه و موقعیت اجتماعیشان در دربار داشته است؟ آیا اوضاع سیاسی و مذهبی حاکم بر جامعه عصر صفوی، بر فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی بانوان حرم تأثیر داشته است؟ و بانوان حرم شاهی در چه حوزه‌هایی حضور و ظهور بیشتری داشته‌اند؟

وضعیت زنان عصر صفوی، از موضوعات مورد توجه مورخان این عصر نبوده و هرگاه

۱. در تعالیم اسلامی توصیه‌های بسیاری به تعلیم فرزندان اعم از دختر و پسر شده و پیامبر اکرم(ص) بر آموزش دختران تأکید خاصی داشته و می‌فرماید: «آنکه دختری دارد، اگر او را ادب آموزد و تربیت او را نیکو سازد و به او علم آموزد و بهره او را از علم و دانش بسی نیکوتر قرار دهد، در برابر آتش جهنم برای خود سپری فراهم کرده است».

۲. مکتب دوم تبریز یا مکتب صفوی به دومین مکتب نگارگری ایرانی گفته می‌شود. شاه اسماعیل در ۹۱۶ با تسلط بر هرات، هنرمندان و صنعتگران آن ناحیه را به تبریز پایتخت صفویان، دعوت کرد. هنرمندان مکتب هرات نیز که سر سلسله آنان کمال‌الدین بهزاد بود، با ترکیب سنت نقاشی دوره مغول و هرات، شیوه نوینی پدید آوردند که مکتب تبریز گفته می‌شود.

سخنی هم از آنها به میان آمده است، بیشتر درباره نقش و نفوذشان در عرصه‌های سیاسی و تا حدی هم اقتصادی است. در سیر پژوهش‌های مرتبط با صفویه نیز به تعلیم و تربیت و فعالیت‌های علمی و آموزشی زنان کمتر توجه شده است. عبدالمجید شجاع در فصل چهارم کتاب «زن، سیاست و حرمسرا»<sup>۱</sup> به آموزش زنان حرم شاهان صفوی اشاره کرده است. محسن معصومی نیز در مدخل حرمسرای دانشنامه جهان اسلام<sup>۲</sup> اشاره‌ای کوتاه به آموزش بانوان دربار صفوی داشته است. مقالاتی چون «وضعیت علم و آموزش در دوره صفویه با استناد به سفرنامه‌ها»<sup>۳</sup>، «ایران دوره‌ی اسلامی؛ آموزش در مدارس صفوی»<sup>۴</sup>، «نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی»<sup>۵</sup>، «علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس»<sup>۶</sup> برای آگاهی از وضعیت کلی آموزش در عصر صفوی، مواد درسی، مکان‌های آموزشی به‌ویژه مدارس مناسب است؛ اما به پرسش‌های پژوهش حاضر پاسخ نمی‌دهد. پایان‌نامه «بررسی وضعیت زنان در عهد صفویه از منظر سفرنامه‌نویسان خارجی» نیز بیشتر به بیان وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان عصر صفوی پرداخته و رویکرد آموزشی آن کم‌رنگ است. برخی مقالات همچون «بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره‌ی شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ق.) بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاه طهماسبی و هفت‌اورنگ جامی»<sup>۷</sup> «تعاملات اجتماعی و پوشیدگی زنان؛ خوانش بصری بازنمایی

۱. شجاع، عبدالمجید، زن، سیاست و حرمسرا، امیدمهر، ۱۳۸۴.

۲. معصومی، محسن، دانشنامه جهان اسلام، مدخل حرمسرا، ۱۳۹۳.

۳. ملک‌زاده، الهام؛ شیرین زبان آذر، «وضعیت علم و آموزش در دوره صفویه (با استناد به سفرنامه‌ها)»، تاریخ‌پژوهی، ش ۵۰، ۱۷ تا ۳۱، بهار ۱۳۹۱.

۴. بخشی‌استاد، موسی‌الرضا، «ایران دوره‌ی اسلامی؛ آموزش در مدارس صفوی»، رشد، ش ۶۵، ۱۷-۲۳، بهار ۱۳۹۶.

۵. بخشی‌استاد، موسی‌الرضا؛ رضایی، رمضان، «نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی»، ادیان و عرفان، ش ۴۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۶. بخشی‌استاد، موسی‌الرضا؛ بادکوبه، احمد؛ بیات، علی، «علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس»، شیعه‌شناسی، ش ۴۰، ۱۳۹۱.

۷. شایسته‌فر، مهناز؛ خزایی، محمد؛ عبدالکریمی، شهین، «بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ق.) بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت‌اورنگ جامی»، زن در فرهنگ و هنر، ش ۲، ۱۸۹-۲۰۸، تابستان، ۱۳۹۳.

پوشش زنان در فضاهای خصوصی و عمومی در نگاره‌های اصیل ایرانی<sup>۱</sup> «انعکاس ورزش در نگاره‌ها و طراحی‌های دوران ایلخانی تا صفویه»،<sup>۲</sup> «جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره‌های شاهنامه‌ی شاه تهماسبی»<sup>۳</sup> و «مطالعه‌ی تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه»<sup>۴</sup> بر اساس نگاره‌های موجود از عصر صفوی، به بیان وضعیت فرهنگی و اجتماعی بانوان پرداخته و بازگو کننده موقعیت، جایگاه و شأن اجتماعی زنان است.

### زنان عصر صفوی از دیدگاه جهانگردان غربی

اغلب سفرنامه‌نویسان غربی، زندگی بانوان حرم‌سرای صفوی را بسیار مرارت‌بار وصف کرده و آنان را فاقد آزادی‌های فردی و اجتماعی دانسته‌اند. این نویسندگان، محل سکونت بانوان حرم را به زندان‌هایی مانند کرده‌اند که چون غارهای تنگ و تاریک، دور تا دور آن را دیوارهایی بسیار بلند احاطه کرده بوده و هیچ راه گریزی نداشت؛ آنان توسط محافظانی تیزبین نگهبانی می‌شدند و فقط شخص شاه اجازه ورود به آن‌جا را داشت (کمپفر، ۵۸؛ فیگوئروا، ۲۱۳؛ شاردن، ۱۳۱۶/۴)؛ از این‌رو این بانوان حق تردد آزادانه در اجتماع را نداشتند، زیرا همه چیز تحت نظارت و مراقبت شدید مأمورانی بود که از حرم‌سرای سلطنتی مراقبت می‌کردند.

برخی نگاره‌های متعلق به عصر صفوی چون تصاویر برجای مانده از شاهنامه شاه طهماسبی (ولش، آنتونی، ۲۸؛ شایسته‌فر و دیگران، ۱۹۷)<sup>۵</sup> و نسخه مصور خمسه نظامی

۱. یاسینی، سیده راضیه، «تعاملات اجتماعی و پوشیدگی زنان؛ خوانش بصری بازنمایی پوشش زنان در فضاهای خصوصی و عمومی در نگاره‌های اصیل ایرانی»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ش ۶۱، ۱۰۱-۱۳۲، بهار ۱۳۹۴.

۲. شایسته‌فر، مهناز، «انعکاس ورزش در نگاره‌ها و طراحی‌های دوران ایلخانی تا صفویه»، *بیناب (سوره مهر)*، ش ۱۸، ۹۶-۱۱۵، فروردین ۱۳۹۰.

۳. غضنفری، فاطمه صغری؛ طباطبایی، زهره، «جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی»، *زن و فرهنگ*، ش ۳۱، ۵۷-۷۴، بهار ۱۳۹۶.

۴. ولی قوجق، منصور؛ مهریویا، حسین، «مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه»، *پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان*، ش ۱۳، ۱۰۹-۱۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۵. نگارگری دوره صفوی منبع خوبی برای شناخت شرایط اجتماعی آن دوره است. نسخه مصور شاهنامه طهماسبی (۹۲۸-۹۵۷ق.) یکی از مهمترین آثار برجای مانده از دوره شاه طهماسب است که به وضع اجتماعی زنان نیز اشاره دارد.

(برای اطلاع بیشتر نک: کنبی)<sup>۱</sup> نیز که به نوعی وضع اجتماعی آن عصر را منعکس می‌کند، بانوان دربار صفوی را در محیط‌های زنانه و به دور از نامحرمان ترسیم کرده است؛ به عنوان مثال در تصویری از شاهنامه طهماسبی که حکیم فردوسی را در حال اهدای شاهنامه به سلطان محمود غزنوی نشان می‌دهد، فضای حضور زنان جدای از مردان ترسیم شده و آنان از پشت پنجره و ایوان بالای بنا و پشت‌بام، نظاره‌گر این رویدادند و چون از دید نامحرمان دورند، هیچ‌یک از روبنده استفاده نکرده‌اند (ولش، آنتونی، ۲۸؛ شایسته‌فر و دیگران، ۱۹۷؛ یاسینی، ۱۰۱-۱۳۲).<sup>۲</sup>

برخی از جهانگردان اروپائی، با تأکید بر عدم معاشرت و مراوده زنان با مردان غریبه، دیدن زن نامحرم در ایران را معادل عمل زنا دانسته (تاورنیه، ۶۲۸؛ تکتاندرفون دریابل،<sup>۳</sup> ۵۱-۵۲) و نوشته‌اند: «زنان تا آن حد از معاشرت با مردان دیگر غیر از شوهر خود باز داشته می‌شوند که اگر میهمانی به خانه بیاید، مردان و زنان بر سر یک سفره غذا نمی‌خورند و مرد خانه است که می‌بایست به امر پذیرایی و انجام کارها بپردازد» (تاورنیه، ۶۲۸). بر همین اساس، جهانگردانی چون شاردن و تاورنیه، معتقد بودند که زنان ایرانی برای اسیری و بوالهوسی مردان خلق شده و از آزادی‌های اجتماعی برخوردار نیستند (شاردن، ۴/ ۱۳۱۰؛ تاورنیه، ۶۳۸؛ الیویه<sup>۴</sup>، ۸۶).<sup>۵</sup> برخی دیگر، بانوان ایرانی را زانی عامی و آموزش ندیده خوانده‌اند که در کوچک‌ترین کارهای خانه نیز مداخله نداشتند و روزگار خود را به استراحت و تن‌پروری می‌گذراندند، به‌گونه‌ای که شوهرانشان نیز معتقدند که

۱. نسخه مصور خمسه نظامی، پروژه عظیم کتاب‌آرایی طی سال‌های ۹۴۶-۹۴۹ق.، است که برای شاه تهماسب صورت گرفت. کتابت آن بر عهده شاه محمود نیشابوری و نگاره‌های آن را هنرمندان بنامی چون سلطان محمد، آقا میرک، میر سید علی، مظفرعلی و میرزا علی بر عهده داشتند.  
۲. به سبب وجوب پوشش زنان در اسلام، این موضوع از نکات قابل توجه نقاشان و نگارگران بوده و محیط‌های زنانه را جدا از فضای مردانه به تصویر کشیده شده است (نک. تصویر ۶).

3. Tectander von der jabel.

4. Olivier.

۵. شرایط موجود در حرم‌سرا به‌گونه‌ای بود که بسیاری از آنان همواره به آزادی‌های زنان سایر طبقات اجتماع غبطه می‌خوردند. شاردن دلیل این محدودیت را تأثیر و تأثر محیط جغرافیایی بر روحیات و فیزیولوژی مردان ایرانی دانسته و معتقد است که به دلیل آب و هوای گرم و خشک ایران، جاذبه مردان نسبت به زنان حاد و جوشان بوده و آنان برای بروز هیجان‌ها و تمايلات جنسی و عاشقانه کاملاً مستعد می‌باشند. اروپائیان همچنین غیرت مردان نسبت به محارمشان را به حسادت تعبیر کرده و آنان را موجودات حسودی دانسته‌اند که به واسطه بخلی که به زنان داشتند، همواره مانع ارتباطات اجتماعی آنها شده و سعی در به انزوا کشید زنان داشته‌اند.

آنها تنها به کار کام‌جویی و آوردن فرزند می‌خورند؛ بنابراین در پرورش فکری و هنرآموزی آنان کوششی نمی‌کنند (فیگوئروا، ۲۷۷-۲۸۸؛ شرلی، ۱۹۱؛ تاورنیه، ۶۲۸؛ شاردن، ۷۷۴/۲). این سفرنامه‌نویسان، مردان را متهم به القای تفکرات و باورهای منفی در خصوص توانایی‌های زنان کرده و معتقد بودند که این مردان‌اند که با محدود کردن بانوان، آنان را به انزوا کشانده و مانع از فعالیت‌های اجتماعی آنها می‌شوند.<sup>۱</sup>

در مقابل اروپاییانی چون کمپفر و سانسون ضمن پذیرش محدودیت‌های بانوان حرم‌سرای سلطنتی و حصر اجباری در قصر، آنها را افرادی فعال و تلاشگر وصف کرده‌اند (کمپفر، ۲۲۶؛ سانسون، ۱۱۵).<sup>۲</sup> به‌نوشته این گروه، به‌واسطه حضور تعداد زیادی از زنان در محیطی محصور و بسته، که هر کدام از زیبایی، هوش و دیگر ویژگی‌های خداوندی برخوردار بودند و بسیاری از آنان ملیت، زبان و گویش‌های متفاوتی با زنان ایرانی عصر صفوی داشتند، حس رقابت و برتری‌جویی در میانشان موج می‌زد و می‌کوشیدند تا با آموزش و فراگیری فنون مختلف و به‌کار بستن شگردهایی، رضایت و توجه ویژه شخص شاه و مقامات عالی‌ه حرم را به خود جلب نمایند و بدین طریق، بر رقبای خویش برتری یافته و جایگاه و موقعیت خویش را تحکیم بخشند و شأن خود را در دربار ارتقا دهند (کمپفر، ۲۲۶)؛<sup>۳</sup> از این روی، همواره خواجهگانی سیاه و فرتوت بر آنان نظارت می‌کردند

۱. این سفرنامه‌نویسان خود در وصف موقعیت و جایگاه بانوان عصر صفوی و عدم امکان حضور نامحرمان در محیط‌های خصوصی زنانه را منشأ بی‌اطلاعی از وضع زندگی خصوصی زنان و از محدودیت‌های خود برشمرده‌اند؛ حال چگونه در خصوص شرایط زندگی، فعالیت، توانایی و قابلیت‌های بانوان بدین شکل اظهار نظر می‌کنند؛ چه بسا بانوانی که علی‌رغم محیط مردسالارانه، از آموزش‌های بسیاری در علوم و فنون گوناگون برخوردار بوده و قابلیت‌های بسیاری داشتند.

۲. در مقابل دیدگاه شاردن (Jean chardin) و تاورنیه، کمپفر (Engelbert kaempfer) زنان دربار را فعال و پرتلاش دانسته و می‌گوید: «بر این اساس اگر تصور کنیم که زنان حرم‌سرا موجودات بیکار و بی‌عاری بودند که اوقات خود را به خوردن و خوابیدن می‌گذراندند، به خطا رفته‌ایم. آنان اغلب سعی می‌کردند زندگی کسالت‌بار و یکنواخت حرم‌سرا را با انواع سرگرمی‌ها و مشغولیات، برای خویش قابل تحمل می‌کنند»؛ سانسون (Raffaele Sansone) نیز معتقد است که بانوان حرم برای این که لحظاتی شاد و مفرح در قصر داشته باشند، اوقات فراغت خود را با پرداختن به کارهای گوناگون پر می‌کردند.

۳. کمپفر نیز به این نکته اشاره کرده و گوید: «این زنان در رشته‌هایی که گفتیم کارآموزی می‌کنند تا لطف شاه یا زنان اصلی او را بتوانند به خود جلب کنند. می‌گویند که حتی بعضی از آنان در انواع علوم و بیش از همه در ریاضیات دست دارند؛ هستند چندتایی هم که در تیراندازی و کمان‌داری قدرت‌نمایی می‌کنند و به همین دلیل نیز شاه آن‌ها را در شکارها همراه خود می‌برد. هرگاه از این یک یا آن یک هیچ کار و هنری بر نیاید، شاید با دلبری و طنازی بتواند گلیم خود را از آب بکشد».

تا مبدا تحریک و توطئه‌ای بر ضد رقیبان خود انجام دهند (الیویه، ۱۶۰).<sup>۱</sup> در واقع تنوع فرهنگی در حرم‌سرای شاه و رقابت برای تقرب جستن به شاه زمینه را برای دانش‌اندوزی و کسب مهارت زنان درباری فراهم می‌آورد.

### آموزش بانوان دربار

براساس گزارش سانسون از دربار سلطان سلیمان، در حرم‌سرا گروه‌های متعددی از بانوان مورد تعلیم و تربیت قرار می‌گرفتند و آموزش فقط مختص شاهزادگان و همسران شاه نبود و تعدادی از آنان، دختران امرا و سران کشور و برخی دیگر، از جمله ندیمان و خدمتکاران و بزرگ‌زادگان حرم بودند. بنابراین گزارش در قصر سلطنتی متجاوز از هشتصد زن زندگی می‌کردند که گرچه مخارج زندگی تمام آن‌ها را شاه می‌پرداخت، اما همه از اعضای خانواده سلطنتی نبودند. بسیاری از آنان، دخترانی بودند که به شاهزاده خانم‌های صفوی یا سایر شاهزاده خانم‌های گرجستانی و چرکس خدمت می‌کردند و با دختران حکام و سایر امراء و بزرگان در قصر سلطنتی تربیت می‌شدند، به همین مناسبت در صورتی که یکی از این دختران به عقد ازدواج یکی از امرا و بزرگان درمی‌آمد برای آن امیر موجب بسی افتخار و مباهات بود (سانسون، ۱۱۹، ۱۲۲). به‌نظر می‌رسد، حضور دختران امرا و بزرگان در حرم‌سرا و تعلیم و تربیت آنان در کنار شاهدختان صرفاً به اواخر عصر صفوی محدود نبود و سابقه‌ای دیرینه داشت؛ زیرا بر اساس گزارشی از شرف‌خان بدلیسی که سه سال از روزگار کودکی خود را در حرم خاص شاه تهماسب گذرانده بوده، یکی از عادات شاه تهماسب چنان بود که اولاد امراء و اعیان خود را در صغر سن به حرم خاص خود می‌برد و در سلک شاهزادگان قرار می‌داد و در تربیت آنان از هیچ کوششی فرو گذار نمی‌کرد (بدلیسی، ۵۷۶)؛ هرچند در این گزارش، جنسیت این فرزندان مشخص نشده است، اما چنین برمی‌آید که دختران برخی از بزرگان نیز در حرم‌سرا بودند و از امکانات آموزشی شاهزادگان برخوردار می‌شدند (کاترینوزنو، ۴۴۱؛ گلشنی، ۳۳۰-۳۳۱).

۱. برخی از نگاره‌های عصر صفوی، با تصویر نمودن یک دربان در کنار در ورودی فضاهای خصوصی، تصریح می‌کند که در واقعیت امر، زنان در خلوت با محارم، در فضایی پوشیده از چشم مردان و خالی از حضور ایشان هستند و ترسیم دربان یا حاجب کنار در نیز، اهمیت مراقبت از این فضا را به بیننده یادآوری می‌کند (نک. تصویر ۷).

در این دوره، آموزش دختران با پسران تفاوت داشت و غالباً از خواجگان به عنوان معلم شاهزادگان دختر استفاده می‌شد؛ اما در تربیت شاهزادگان پسر بیشتر رسم بر این بود که آنان را پس از هفت سالگی از مادرانشان جدا می‌کردند و در بخش خاصی از حرم‌سرا پرورش می‌دادند (دوسرسو، ۳۳)؛ سرنوشت دختران حرم، بهتر از برادرانشان بود و از آن‌جا که آنان حق پادشاهی نداشتند و همچون برادران خود، نمی‌توانستند مدعی تاج و تخت شوند، ترسی هم از وجودشان در حرم‌سرا نبود و از آزادی و رفاه بیش‌تری برخوردار بودند (شاردن، ۱۶۳/۳)؛ از این‌رو شرایط بهتری برای استفاده از امکانات موجود در حرم‌سرا برای دختران فراهم بود و با آرامش بیشتری می‌توانستند به کسب علوم بپردازند.

### آموزش‌های عمومی

براساس برخی از نگاره‌های عصر صفوی، کودکان بیشتر اوقاتشان را در اندرونی کاخ‌ها و در جمع زنان حرم‌سرا می‌گذراندند (ولش، آنتونی، ۲۸؛ شایسته‌فر و دیگران، ۱۹۷) و تحت تعلیمات خواجه‌سرایان، برخی معلمان سرخانه و بانوان دربار، خواندن، نوشتن، تعلیمات دینی و مقدمات علوم را یاد می‌گرفتند (شاردن، ۱۳۱۳/۴).<sup>۲</sup> این آموزش‌ها بیشتر جنبه‌ی عمومی داشت و اغلب بانوان و دختران حرم از آن بهره‌مند بودند<sup>۳</sup>؛ اما از آن‌جایی که سیاست حکومت صفوی بر پایه رسمیت بخشی و تقویت تشیع بود، توجه به علوم دینی و مذهبی در صدر آموزش‌ها قرار داشت و تعلیم قرآن کریم، احادیث پیامبر و ائمه (ع) و همچنین آموزش مسائل فقهی از نخستین آموزش‌های بانوان حرم بود (کمپفر، ۱۶۷) و بانوان جوان و کارآموده به تعلیم آداب مذهبی و برپایی نماز جماعت در قصر می‌پرداختند (شاردن، همان).

پس از ورود شمار زیادی از کنیزان گرجی و چرکسی به دربار شاهان صفوی، آموزش

۱. تصویری، پنج کودک هم سن و سال را همراه مادرانشان در فضای زنانه‌ی دربار نشان می‌دهد که اجازه‌ی حضور در مراسم را نداشته‌اند (نک. تصویر ۶).

۲. شاردن به آموزش شاهزادگان توسط خواجگان اشاره کرده و گوید: «خواجه‌سرایان در خانه‌های بزرگان و جاه‌مندان، سمت للگی و آموزگاری بچه‌های آنان را نیز دارا می‌باشند. به آنان خواندن، نوشتن، تعلیمات دینی و مقدمات علوم را یاد می‌دهند». او همچنین به سطح دانش، آگاهی و معلومات این خواجه‌سرایان اشاره کرده و برخی از آنان را عالمانی بزرگ می‌داند که هرچه دانشش بیشتر بود، قیمتش نیز افزایش می‌یافت.

۳. نک. تصویر ۸.



برخی آداب و رسوم و تشریفات سلطنتی از نخستین اشتغالات بانوان تازه‌وارد به حرم‌سرا بود (کمپفر، ۱۶۷). کمپفر که به نظر بیش از همتایان خود توانسته اطلاعاتی از چگونگی فعالیت بانوان حرم کسب و عرضه کند، به آموزش همسران جدید شاه و چگونگی انتخاب مربیان‌شان اشاره کرده و یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های خواجهگان حرم را، آموزش آداب حرم‌سرا به تازه‌واردین دانسته است. به‌نوشته او، خواجهگان زنگی آداب غذا خوردن، لباس پوشیدن و گفتار و کردار در قصر را که در برگیرنده‌ی تمامی قوانین و تشریفات سلطنتی بود، در قالب آموزش‌هایی خاص به بانوان تازه‌وارد یاد داده و از آنان مراقبت می‌کردند؛ زیرا بسیاری از همسران و متعه‌های شاه یا خدمتکاران آنان، از ملیت‌های گوناگون ایرانی، ارمنی، گرجی، چرکسی و ... با آداب و رسوم، فرهنگ، مذهب و حتی زبان و گویش‌های متفاوت یا از طبقات پایین جامعه بودند که به رسم پیشکش به شاه یا مقامات عالی‌رتبه سلطنتی اهدا شده و پیش از آن با زندگی در قصر و حرم‌سرا آشنایی نداشتند و می‌بایست آموزگاران برای تربیت و آموزش رفتار و گفتار صحیح آنان تعیین می‌شد (همانجا).<sup>۱</sup> همچنین بانوانی که از ملیت‌های دیگر به حرم‌سرا وارد شده و به عنوان همسران دائم، متعه و یا کنیزان شاه برگزیده می‌شدند، از زبان‌های رایج در ایران آگاهی نداشتند و ضروری بود که به زبان آموزی بپردازند. از آنجایی که زبان محاوره شاهان صفوی و درباریان ترکی بود؛ پس همسران جدید شاه نیز برای نزدیکی و تقرب بیشتر به همسر، زبان ترکی را که زبان مورد علاقه شاهان صفوی بود، فرا گرفته و بدان سخن می‌گفتند (کمپفر، ۱۶۷؛ گودرزی، ۶۴-۶۷).<sup>۲</sup> زبان فارسی نیز زبان ملی ایرانیان بود که عموم اقشار جامعه از آن آگاهی داشتند و بدان سخن می‌گفتند. زبان

۱. این خواجهگان حتی وظیفه داشتند که از ابعاد بدن همخوابه‌های تازه‌وارد مراقبت کنند و به کمک یک کمربند دریابند که آیا از اندازه‌های مقرر خارج شده است یا نه؛ در چنین صورتی زن چاق را وادار به امساک در غذا می‌کردند. غذای چنین زنی به آب و برنج محدود می‌شد تا به اندازه کافی لاغر و رعنا شود و بعد آن را به خدمت شاه برده شود.

۲. کمپفر نیز به این موضوع اشاره کرده و گوید: «امروز کار به جایی رسیده که ندانستن زبان ترکی برای کسی که سرش به تنش می‌ارزد، ننگی محسوب می‌شود. این زبان از تمام زبان‌های شرقی آسان‌تر است؛ زیرا صرف کلمات و همچنین ساختمان دستوری آن سهل است و در زمینه‌های مربوط به هنر و علوم دارای اصطلاحات خاصی نیست و به طور کلی می‌توان آن را زبانی عقیم و بی‌ثمر شمرد. از طرف دیگر وقاری که طرز کلام در زبان ترکی دارد و شکوهی که در طنین آن به گوش می‌خورد، باعث شده که در دربار و قصر سلطنتی منحصرأً زبان محاوره باشد.»

اسناد و مکاتبات دولتی و مردمی و نهاد آموزش و اشعار و کتب نیز فارسی بود (دلواله، ۵۲۲؛ کمپفر، ۱۶۷؛ گودرزی، ۶۴-۶۶).<sup>۱</sup> شاردن (۳/ ۹۴۶) زبان‌های رایج در ایران را فارسی، ترکی و عربی دانسته و از آشنایی و تسلط بسیاری از زنان به این سه زبان سخن می‌گوید و معتقد است که اگر کسی دست‌کم زبان‌های فارسی و ترکی را نداند، در مکالمه درمی‌ماند.

پس از زبان‌آموزی، آموزش علوم متداول چون شعر و ادب فارسی (مشیرسلیمی، ۱۷۲؛ امین، ۲۴۸/۴)، عربی، ریاضی، تاریخ و برخی بازی‌ها و هنرها اهمیت داشت و تعلیم آن‌ها غالباً بر عهده خواجگان حرم بود (سانسون، ۱۱۸؛ کمپفر، ۲۲۷). بر اساس گزارشی از قصص‌العلماء، شاه سلطان حسین از علامه مجلسی خواست تا شخص عالم و غیر مکلفی را برای تعلیم نسوان به حرم ببرد؛ علامه نیز نوجوان نابالغی به نام فاضل هندی را برای این کار برگزید و او تا پیش از سن بلوغ به تعلیم بانوان حرم می‌پرداخت (تنکابنی، ۲۹۴)؛ سلاطین خود نیز تا حدودی بر چگونگی آموزش زنان و دختران حرم و انتخاب مربیان آن‌ها نظارت می‌کردند.

گروهی از قصه‌گویان حرفه‌ای که از میان کنیزان بودند نیز وظیفه سرگرم ساختن کودکان حرم را بر عهده داشتند. آنان بسیاری از مسائل دینی، ادبی و اخلاقی را در قالب داستان‌ها و روایت‌های ملی و مذهبی برای کودکان نقل کرده و موجبات آشنایی آنان با ادبیات را فراهم می‌نمودند (محبوب، ۸۲، محمدی و قایینی، ۲۳۴/۲).

## آموزش‌های تخصصی

### علوم نظری

برخی از بانوان فرهیخته دربار که بیشتر از اعضای خانواده سلطنتی بودند، موقعیت و

۱. کمپفر در مورد گسترش و رواج فارسی در میان مردم گوید: «در مقر امرای عرب و هند تا رود گنگ و حتی تا سیام، من به مردمی برخوردی که بدون اشکال به زبان فارسی رفع احتیاج خود می‌کردند».

۲. بنابراین باید گفت که حرم‌سرای شاهان صفوی کانون نقل افسانه‌های خاوری و باختری نیز بوده است؛ از مهم‌ترین داستان‌های ایرانی که قصه‌گویان نقل می‌کردند، می‌توان به رموز حمزه، *ابومسلم‌نامه*، *اسکندرنامه*، *سام‌نامه*، *گرشاسپ‌نامه*، *فرامرزن‌نامه* و *شاهنامه‌ی فردوسی* اشاره کرد. قصه‌گویان در روایت این داستان‌ها، هرگز به متن آن بسنده نمی‌کردند و حقیقت متن را دستاویزی برای بیان مطالب خویش می‌کردند و شاخ و برگ بسیار به آن می‌افزودند و در میان گفت‌وگوی خویش به پند و اندرز و شرح رویدادهای روزانه می‌پرداختند و از این طریق بسیاری از نکات آموزنده‌ی اخلاقی، ادبی و تاریخی را به کودکان آموزش می‌دادند.

امتیازات برتری برای آموزش علوم گوناگون داشتند و علاوه بر آموزش‌های معمول که توسط خواجگان صورت می‌گرفت، از محضر استادان بزرگ و بنام عصر خویش نیز بهره‌مند می‌شدند؛ به عنوان مثال شاهزاده سلطانی (۹۲۵-۹۶۹ق.) خواهر شاه تهماسب، از برجسته‌ترین بانوان عالم و فاضلی بود که بیشتر اوقات خود را به مطالعه متون دینی می‌گذراند. حکیم نورالدین کاشی به وی صرف و نحو آموخت، اما چون در نظر شاهزاده بهره‌خوری نداشت، آن را رها کرد و به قرائت قرآن روی آورد و برای آموزش قرآن، از مولانا عمادالدین علی قاری که در مشهد بود، درخواست کرد که به اصفهان آمده و به او آموزش دهد (قمی، ۱۳۷۰/۲).<sup>۱</sup>

برخی از زنان و دختران حرم توسط بستگان سببی و نسبی خویش همچون پدر، مادر، مادر بزرگ، عمه، خاله و یا همسرانشان، به شکل تخصصی تعلیم می‌دیدند. گوهرشاد بیگم، دختر سلطان ابراهیم میرزا، برادرزاده شاه تهماسب و نوه دختری وی، یکی از برجسته‌ترین بانوان عالمه، فاضله، ادیب و شاعر خاندان صفوی بود که تحت تعلیمات پدر هنرمند و فرهیخته‌اش که از شاعران، خوشنویسان و نوازندگان بنام عصر صفوی بود و همچنین همسرش، امیر نصرالدین حسین شیرازی از سادات دشتکی و از افاضل روزگار، به مدارج والای علمی و ادبی دست یافت (اسکندریبگ منشی، ۱۳۵۱-۱۳۶).<sup>۲</sup>

حوایبگم، دختر شاه عباس اول نیز از دیگر بانوان فرهیخته‌ی دربار بود که طبع شعر داشت و حشمتی خوانساری از برجسته‌ترین شاعران و خوشنویسان قرن یازدهم ق.، از استادانش بود (مهدوی، رجال اصفهان، ۳۶؛ ریاحی، ۱۵۱)؛ زبیده‌بیگم خواهر وی نیز از محضر استادان بنامی چون میرزا بایندر تبریزی کسب فیض کرد (تربیت، ۳۵۸).

۱. خلاصه/تواریخ در خصوص او چنین می‌نویسد: «شاهزاده سلطانی اسم شریفش مهین بانو کوچکترین دختران شاه والامکان فردوس آشیان است. چون آثار قید و زهد و طهارت و صلاح و خدات از وجنات احوالش ظاهر و هویدا بود، شاه سکندر سپاه که برادر اعیانی وی بود، در مقام اطاعت او درآمده آن حضرت را نذر حضرت امام الهمام صاحب العصر و الزمان و خلیفه الرحمن نمود. چون فاضله عاقله بود، جمیع امور ملکی و مالی را به صوابدید ایشان منوط فرمودی و بی‌مشورت و صلاح و آگاهی او عمل نمی‌کرد. او را ملکه زمان و بانوی دوران ساخته، اوقات با برکاتش همیشه به مطالعه و مباحثه علوم گذشتی».

۲. او دختر ابراهیم میرزا پسر دوم بهرام میرزا برادر اعیانی شاه تهماسب و گوهرسلطان بیگم دختر شاه بود که بنا بر گفته‌ی اسکندر بیگ منشی: «اكتساب علوم دینیة نموده فاضله و متورعه بود. در زمان حضرت اعلی شاهی ظل‌اللهی از شیراز متوجه زیارت بیت‌الله الحرام شده در مکه معظمه به حباله امیر نصرالدین حسین شیرازی که از سادات عظام دشتکی و از افاضل نامدار و متورعین روزگار بود درآمده و در آن مدینه معظمه اقامت گزید».

عده‌ای از بانوان حرم علاوه بر آگاهی و تسلط بر فنون شعر و ادب فارسی در نگاشتن متون ادبی و تلفیق نظم و نثر و همچنین خوشنویسی مهارت بسیار داشتند (مشیرسلیمی، ۱۶۶/۱، ۱۷۲)؛<sup>۱</sup> اندک نامه‌های برجای مانده از آنان حاکی از طبع ظریف، قلم زیبا و کلام شیوا و ادیبانه آنان است که به‌رغم حضور منشیان، خود نامه‌هایشان را می‌نگاشتند؛ همچون نامه‌ای که شاهزاده سلطانم به خرم‌سلطان، همسر سلطان سلیمان قانونی نگاشت که علاوه بر قلم ادیبانه و وزین او، حاکی از حضور وی در عرصه سیاسی و روابط خارجی عصر صفوی است؛ او کلام خود را به نظم و نثر آراسته و آن را با تشبیهات و استعارات بسیار زیبا بیان کرده است و با زبانی ادیبانه در جای‌جای متن خود از آیات قرآن اقتباس نموده که گواه تسلطش بر الفاظ، معانی و تفسیر آیات قرآن کریم است (نوابی، ۳۴۳-۳۴۷).<sup>۲</sup> شاهزاده سلطانم خوشنویسی را از دوست محمد هروی فرا گرفت که دو قطعه از مرقع بهرام میرزا، به خط وی به قلم نیم دو دانگ متوسط با رقم «کتبه سلطانم بنت اسمعیل الحسینی الصفوی» در کتابخانه خزینه اوقاف موجود است (بیانی، ۲/۲۶۷).<sup>۳</sup>

نامه‌های مریم‌بیگم (۱۰۱۷ق.)، دختر شاه تهماسب به مادر (نوابی، ۱۴-۱۵) و خواهرش زینب بیگم (۱۰۵۰ق.) (همو، ۱۸)<sup>۴</sup> نیز گواه تسلط او به زبان و ادبیات فارسی است. نامه‌ی پریخان خانم (۹۸۵ق.) به برادرش شاه اسماعیل دوم نیز علاوه بر این‌که از آگاهی وی به زبان فارسی حکایت دارد، گویای اختلافات خاندان صفوی بر سر جانشینی و آشفتگی سیاسی جامعه ایران پیش از به قدرت رسیدن شاه عباس اول است (حجازی، ۵۴-۵۷).

## آموزش مهارت‌ها

برخی از بانوان حرم‌سرا علاوه بر آموزش‌های علمی، دینی، ادبی و هنری، مهارت‌هایی چون سوارکاری، ریسندگی و بافندگی، نقاشی، آوازخواندن، ساززنی و رقاصی نیز

۱. همچون حیات و جهان همسران شاه اسماعیل اول و یا پریخان خانم که حقیقی تخلص می‌کرد.

۲. نک. تصویر ۱.

۳. دوست محمد هروی، نویسنده، خوشنویس و نقاش ایرانی قرن دهمق است. او نستعلیق را خوب می‌نوشت، در صحافی، شعر و عروض مهارت داشت و «گامی» تخلص می‌کرد. دوست محمد از خوشنویسان کتابخانه شاه طهماسب بود و مقدمه آلومی را در مجموعه بهرام میرزا نوشت که اینک در کتابخانه‌ی توپ‌قاپی استانبول نگهداری می‌شود.

۴. نک. تصویر ۳ و ۴.

۵. نک. تصویر ۵.

فرامی‌گرفتند (سانسون، ۱۱۹؛ کمپفر، ۲۲۷)؛ مهارت برخی از آنان در سوارکاری و تیراندازی نظر سفرنامه‌نویسان را جلب کرده است. برخی از بانوان حرم که سوارکاران و تیراندازان قابل‌بودند، شاه را به‌هنگام شکار همراهی می‌کردند. سانسون (۱۱۳، ۱۱۵)، این بانوان را «مردان جنگی کارآموده» نام نهاده که با مهارت بسیار بر اسب‌ها مهمیز می‌زنند و چهارنعل اسب می‌تازند و به خوبی و به مهارت چابک‌ترین مردان اسب‌سواری می‌کنند. دلاواله (۲۲) نیز درباره سوارکاری زنان گوید: «سواری زنان ایران بدین‌گونه است که مثل مردان بر حیوان نشسته و پای خویش را بر عکس زنان سوارکار اروپا به دو طرف شکم اسب می‌اندازند».

زنان شاه در حرم‌سرا تیراندازی با تیر و کمان و تفنگ و شکارکردن و دنبال‌گوزن‌دویدن و اسب‌تاختن را می‌آموزند (سانسون، ۱۱۵)؛ سفرنامه‌نویسان اروپایی شجاعت این بانوان را ستوده و درباره مهارت آنان نوشته‌اند: «این خانم‌ها با کمال شجاعت حیوانات درنده را تعقیب می‌نمایند و با مهارتی شگفت‌انگیز تیر از کمان رها می‌کنند و با وضعی تحسین‌آمیز حیوانات درنده را شکار می‌کنند و در حالی که باز شکاری را روی دست نگه می‌دارند، به دنبال شاه، اسب می‌تازند و به فرمان شاه، بازها را رها می‌کنند» (سانسون، ۳۶، ۳۷؛ دلاواله، ۲۷۸). در برخی از نگاره‌های عصر صفوی نیز سوارکاری بانوان به تصویر کشیده شده است (برای اطلاع بیشتر نک. کنبی؛ ولش، استوارت کری).<sup>۱</sup> مهارت و توانایی بانوان حرم‌سرا در سوارکاری و تیراندازی به شکارگاه محدود نبود و براساس گزارش برخی منابع، شماری از آنان در صحنه‌ی نبرد با دشمن نیز حضور یافته و با جسارت تمام در کنار مردان می‌جنگیدند (کاترینوزنو، ۲۵۸؛ فیگوئروا، ۲۹۹)،<sup>۲</sup> چنانکه در نبرد چالدران (۹۲۰ق.)، بعضی از زنان قزلباش همانند مردان به میدان رفتند و عده‌ای از آنان اسیر یا کشته شدند (اسکندریبگ منشی، ۱/۴۹۴-۵۰۱؛ فلسفی، ۶۶-۶۷).<sup>۳</sup> کمپفر (۲۲۷)، تلاش و رقابت بانوان حرم در کسب علوم و فنون متعدد را یکی از راه‌های جلب نظر شاهنشاه دانسته است. از نظر وی بانوان حرم به ویژه همسران شاه با فعالیت در رشته‌های گوناگون، همواره در تلاش‌اند تا لطف شاه یا زنان

۱. نک. تصویر ۹.

۲. «زنانی که طبق عادت همراه شوهرانشان به جنگ می‌آیند با جسارت تمام اسب می‌تازند و بی‌نهایت سختی و خطر را تحمل می‌کنند».

۳. از جمله زنان حرم شاه اسماعیل که به اسارت درآمدند، بهروزه خانم و تاجی بیگم بودند.

اصلی او را به خود جلب کنند و همین موجب شده تا پیشرفت قابل توجهی در حوزه علوم نظری به ویژه ریاضیات، و همچنین مهارت تیراندازی با کمان داشته باشند. با توجه به گزارش‌ها درباره مهارت زنان حرم در سوارکاری و شکار، به نظر می‌رسد علاوه بر همسران شاه و برخی شاهزادگان حرم، خدمه و ندیمگان آنان نیز با این فنون آشنایی داشته‌اند و با توجه به برخی محدودیت‌های بانوان و عدم ارتباط با نامحرمان، غالباً توسط محارمشان (شاهزادگان) یا خواجه‌گان دربار، تعلیم می‌دیدند (فیگوئروا، ۲۷۲-۲۷۷؛ کاترینوزنو، ۴۲۹).<sup>۱</sup>

موسیقی و نوازندگی از دیگر علایق بانوان حرم‌سرای شاهان صفوی بود که علاوه بر گزارش‌های سیاحان اروپایی (سانسون، ۱۱۹)، نگاره‌های موجود به آن گواهی می‌دهد (ولش، استوارت کری، ۵۲).<sup>۲</sup> حضور نوازندگان زن در این نگاره‌ها و نوازندگی با سازهای گوناگون، بیانگر این مطلب است که زنان نیز به نحوی در نوازندگی آموزش می‌یافته‌اند؛ اما از چگونگی این آموزش‌ها اطلاع نداریم. احتمال دارد که آموزش موسیقی هم مانند سایر رشته‌های هنری چون خطاطی و نقاشی، توسط آشنایان این فن که از محارم بانوان بوده‌اند، انجام می‌شده یا با واسطه از دختران و همسران استادان، می‌آموختند (غضنفری، ۷۴-۵۷).

### حضور در عرصه سیاسی و تعلیم شاهزادگان دربار

برخی از شاهدخت‌های دانشمند دربار، تعلیم و تربیت شاهزادگان را بر عهده داشتند. شاهزاده ابراهیم میرزا (۹۸۴ق.)، فرزند بهرام میرزا (۹۵۶ق.) و برادرزاده شاه تهماسب، در ده سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی و تعلیم عمه فاضله‌اش، شاهزاده سلطانم، قرار گرفت و به دربار شاه تهماسب راه یافت و دوران کودکی و نوجوانی خویش را زیر نظر عالمان و هنرمندان درباری سپری کرد. او از هنرمندان و حامیان توانا و شهیر هنر در عصر صفوی بود که علاوه بر تسلط بر علوم متداول آن عصر، به فارسی و ترکی

۱. سوارکاری بانوان این عصر از دید سایر جهانگردان نیز پنهان نمانده است. به‌نوشته فیگوئروا می‌نویسد: «در راه تعداد زیادی زن را سوار بر اسب دیدیم که برخی زنان متشخص بودند که خوش می‌داشتند بر اسب حرکت کنند و بیشترشان خدمتکاران و بردگان آن بانوان بودند. این زنان با آنکه در معیت شوهران و خواجه‌سرایان و بردگان خویش بودند چنان در کلیجه‌های خود فرو رفته و صورت‌هایشان پشت روبنده‌های سفید پنهان بود که دیدن آنها ممکن نبود»؛ در *سفرنامه‌ی ونیزیان در ایران* نیز از بانویی سخن گفته شده که از حرم‌سرا برای ملاقات فرزند بیمار خود، سوار بر اسب می‌تاخته است.

۲. نک. تصویر ۹.

شعر می‌گفت و پس از قتلش، دخترش گوهرشادخانم که از بانوان فاضله عصر خویش بود، دیوان کامل اشعارش را گردآورد (قمی، ۱/۳۸۰-۳۸۵، ۶۳۷).<sup>۱</sup>

حضور تأثیرگذار بانوان در عرصه‌های سیاسی به‌ویژه تربیت ولیعهد از منظر دیگری هم درخور توجه است. با تغییر رویکرد حکومت نسبت به تربیت ولیعهد و سیاست شاه عباس اول در محصور کردن شاهزادگان در حرم‌سرا، سرپرستی شاهزاده‌گان، به‌ویژه آموزش و تربیت آنان بر عهده برخی از بانوان و خواجگان حرم قرار گرفت و آنان در امور کشوری صاحب قدرت و مقامی بس وسیع شدند؛ شاه صفی، سلیمان و سلطان حسین در ایام توقف در حرم به‌شدت تحت تأثیر مستقیم بانوان بودند و حتی پس از جلوس بر تخت سلطنت نیز نتوانستند خود را از تسلط آنان رهایی بخشند (کمپفر، ۲۵-۳۰؛ کروسینسکی، ۲۱). این نوع تربیت موجب فقدان تهور و شجاعت در آخرین شاهان سلسله صفوی گردید. در واقع تربیت نامناسب ولیعهد در حرم را از عوامل انحطاط حکومت صفوی شمرده‌اند؛ و در سالهای پایانی دولت صفویه، محدودیت‌ها و عدم آشنایی و تخصص بانوان حرم با سیاست و اصول مملکت‌داری را نمی‌توان نادیده گرفت (تاجبخش، ۵۳).<sup>۲</sup> اما وضع زنان حرم نیز متأثر از تصمیمات دولتمردان صفوی بود. از این‌رو در دوره حکومت شاهان قدرتمند وضع فرهنگی و علمی زنان دربار بهتر بود؛ برای نمونه در دوره‌ی شاه تهماسب و شاه عباس اول بعضی از بانوان حرم که از هوش، قدرت و درایت بالایی برخوردار بودند، با نظرات راهبردی خویش، نقش تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های مملکتی ایفا می‌نمودند و به عنوان مثال شاهزاده سلطانیم علاوه بر تعلیم شاهزادگان، از برترین مشاوران شاه تهماسب بود و شاه بی‌مشورت با او اقدام به کاری نمی‌کرد (قمی، ۱/۴۳۰). نامه‌ای که او برای خرم‌سلطان همسر سلطان سلیمان قانونی نگاشته، مؤید این مدعا است.<sup>۳</sup>

۱. نقاشی، خطاطی، موسیقی و شعر از شاخص‌ترین حوزه‌های فعالیت شاهزاده ابراهیم بود.
۲. در موقع محاصره‌ی اصفهان از طرف افغانه، تصمیم گرفته شد که یکی از شاهزادگان از پایتخت خارج شود و قوایی تهیه کند تا بتواند جلو پیشرفت افغانه را بگیرند. سلطان محمود پسر ارشد شاه سلطان حسین را بر تخت نشاندند ولی چون تا آن تاریخ از حرم‌سرا بیرون نیامده بود از مشاهده اوضاع هراسان گشت و به حرم‌سرا مراجعت نمود و از مقام سلطنت دست کشید.
۳. شاهزاده سلطانیم با واسطه قرار دادن خرم‌سلطان، سوگلی شاه سلیمان و وزیر اعظم دربار عثمانی و ارسال برخی هدایا و تحف چون چندین جلد قرآن مجید و قالی‌های گران‌بها و نفیس برای مسجد تازه تأسیس سلطان سلیمان در استانبول، سعی در بهبود روابط ایران و عثمانی داشت (نک. تصویر ۱).

### حمایت از فرهیختگان

برخی از شاهزاده خانم‌های فرهیخته و فاضله دربار صفوی، علاوه بر کسب علوم متعدد، خود از حامیان دانش بودند و به‌ویژه در اعتلای علوم دینی از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کردند؛ از این‌رو مورد ستایش بزرگان علم و ادب قرار گرفته و آثاری هم به نامشان به رشته تألیف و ترجمه درآمده است؛ محتشم کاشانی (د. ۹۹۶ق.)، چندین قصیده در مدح پریخان‌خانم سروده و زهد و تقوا و کیاست و تدبیر او را ستوده است؛ همچنین عبدی‌بیگ نویدی (د. ۹۸۸ق.) کتاب *تکمله‌الآخبار* (برای اطلاع بیشتر نک: عبدی‌بیگ شیرازی)<sup>۱</sup> را به پریخان‌خانم تقدیم کرد (ریاضی، ۸۷-۸۹)؛ شیخ رضی‌الدین محمد تستری اصفهانی (د. ۱۰۲۱ق.) (مهدوی، رجال اصفهان، ۹۱۹) نیز کتاب *شرح ادعیه‌السر* را برای مریم‌بیگم عمه شاه سلطان حسین، نگاشت (همان) و ابوالمظفر محمد جعفر حسینی، کتاب *تحفه نوابیه و هدیه‌الخرویه* (امین، ۶۲۷/۳؛ محلاتی، ۳۵۸/۴) را برای شاهزاده بیگم (ز. ۱۰۸۶ق.)، دختر شاه عباس اول، تألیف کرد (هنرفر، ۵۹۴، ۷۵۳).

### نتیجه

آموزش زنان در عهد صفوی نظام معینی نداشت، اما به نظر می‌رسد زنان درباری با انگیزه‌های شخصی و دسترسی به امکانات حکومتی می‌توانستند با ابتنا بر علایق خویش از آموزش‌هایی بهره‌مند شوند. بخشی از این تعلیمات برای عموم بانوان حرم‌سرا ممکن بود، آموزش علوم دینی، ادبیات، ریاضیات، تاریخ و... از جمله آموزش‌هایی بودند که بیشتر زنان حرم به‌ویژه تازه‌واردان از آن بهره‌مند می‌شدند، اما برخی از آموزش‌ها نیز متعلق به فرهیختگانی بود که از نزدیکان شاه بودند و احتمالاً از استعداد و توانایی‌های ویژه‌ای برخوردار بودند.

- 
۱. خواجه زین‌العابدین علی مشهور به عبدی‌بیگ شیرازی و متخلص به نویدی، دبیر و شاعر دربار شاه تهماسب بود. یکی از مهمترین آثار عبدی‌بیگ، *تکمله‌الآخبار* است که در آن رخدادهای جهان اسلام را از آغاز تا سال ۹۷۸ق. نگاشته و رنگ و بوی ادبی دارد.
  ۲. نسخه‌ای از این کتاب به خط محمد حسین اصفهانی در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری (سپهسالار) موجود بوده که تاریخ کتابت آن سال ۱۰۸۶ ق است.



## منابع

- انصاری، قدرت‌الله، *موسوعه احکام الاطفال و ادلتها*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۶۹.
- اسکندر بیگ منشی، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، چاپ ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- الیویه، گیوم آنتوان، *سفرنامه الیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، به کوشش غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، *شرف‌نامه: تاریخ مفصل کردستان*، تهران: ۱۳۶۴.
- بیانی، مهدی، *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- تاورنیه، ژان باتیست. *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی و تایید، ۱۳۶۹.
- تاجبخش، احمد، *تاریخ صفویه*، شیراز: نوید، ۱۳۷۲.
- تنکابنی، محمد، *قصص العلماء*، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۶۴.
- حجازی، بنفشه، *ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)*، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۹۲.
- دلاواله، پیتر، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- دوسرسو، ژان آنتوان، *علل سقوط شاه سلطان حسین*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۶۴.
- ریاحی، محمدحسین، *مشاهیر زنان اصفهان از گذشته تا عصر حاضر*، اصفهان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، ۱۳۷۵.
- ریاضی، حشمت‌الله، *گل‌هایی از گلستان شعر فارسی*، تهران: پردیس، ۱۳۸۰.
- سانسون، رافائل، *سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۴.
- شرلی، آنتونی و رابرت، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه آوانس، تهران: نگاه، ۱۳۸۷.
- شیرازی، عبدی بیگ، *تکملة الاخبار*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نی، ۱۳۶۹.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلو، *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- قمی، قاضی احمد، *خلاصة التواریخ*، چاپ احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- کاترینوزنو، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹.
- کروسینسکی، تادوزیوا، *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، به کوشش مریم میراحمدی، تهران: توس، ۱۳۶۳.
- کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
- کنبی، شیلا، *هنر و معماری صفویه*، مزدا موحد، تهران: متن، ۱۳۸۸.

- گلشنی، عبدالکریم، «تاریخ: تشکیلات آموزشی ایران در دوره صفویه (۲)»، خرد و کوشش، ش ۶، ۱۳۴۹.
- گودرزی، حسین، «موقعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران عصر صفویه و رابطه آن با زبان رسمی و ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۳، ۱۳۹۰.
- محبوب، محمدجعفر، «مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی»، مجله دانشکده ادبیات، ش ۱، ۱۳۴۱.
- محلّاتی، ذبیح‌الله، ریاحین‌الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- محمدی، محمدهادی، قاییتی، زهره، تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران: چیستا، ۱۳۸۲.
- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، زنان سخنور. تهران، مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۵-۱۳۳۷.
- مهدوی، سید مصلح‌الدین، رجال اصفهان، اصفهان: گلدسته، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، اصفهان دارالعلم شرق: مدارس دینی اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.
- نوابی، عبدالحسین، شاه تهماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- ولش، استوارت کری، نقاشی ایرانی: نسخه نگاره‌های عهد صفوی، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران: متن، ۱۳۸۹.
- ولش، آنتونی، نگارگری و حامیان صفوی، ترجمه روح‌الله رجبی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
- هنر فر، لطف‌الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: کتابفروشی ثقفی، ۱۳۴۴.

تصویر شماره ۱

نامه شواهر<sup>۱</sup> شاه طهماسب به شاهسگی سلطان

زواهر جواهر تسبیح و تهلیل که بر منابر خاقین من حول العرش در سلك  
یسبحون له باللیل والنهار وهم لا یسبحون<sup>۲</sup> منخرط ومنتظم می‌شود و طرائف ظرائف  
هر طاعت و دعا که در جوامع و صوامع پیشگاه فی بیوت اذن الله ان ترفع<sup>۳</sup> در جریده  
و یستجیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله<sup>۴</sup> مرتسم و ملتئم می‌گردد  
زیب و زیور عرایس اوقات فرخنده ساعات و نفایس حالات کثیرة البرکات علیا حضرت  
مشرقی ربیب ناهید منزلت فرنگیس حکمت زلیخا سیرت مریم عصمت خورشید  
منتخب خجسته صفات حمیده سمات ملکه الملکات فخر النساء المطهرات، بقیس سلیمان  
زمان و قید افة دهر و او ان، رودایه عصر و دوران شاهسگی سلطان

سرای جهان را به تدبیر بانو	بنای کرم را به تحقیق بانو
به عهدش صبا شرم دارد گشادن	نقاب از عذار گل بوستانی
خرد چون قلم در صفات کمالش	فرمانده از بی سری و زبانی
دعایش خلیق در اوقات خمسه	کنند از سر صدق و اخلاص جانی

امید که همیشه ذات بی‌همال آن حور مثال به حلی و حلق صحت و عاقبت موشح  
و آراسته باد و پیوسته نهال هر گونه امانی و آمال آن ملکی خصال به میان تأییدات  
صمدانی مرشح و پیراسته.

در سواد شب سلیمانی	مهد بقیس باد نورانی
سایه شه که هست چشمه نور	زان گل گلستان مبادا دور

چون مدتی بود که به ارسال رسل و هر گونه رسائل و اتحاف و سایر انواع  
وسایل در بر تو ضمیر منیر انفس و در مرآت خاطر اقدس مطلقاً مرور و خطور نکرده بود،  
در این ولایه دولت مآب عمدة الاعظم و الاعیان کمال الدین تبت آغا جهت تشییع  
قواعد اخلاص و تأکید معاهد اختصاص از این جانب متوجه درگاه جهان پناه بود  
مجدداً به ذریعه این صحیفه خود را در آن صحبت ملحوظ خاطر انور ساخت و بنا بر  
اقتضای محبت ازلی و الوقت روحانی به تازگی فنون دعواتی که از ریاض بساتین  
اخلاص نسیم کرامت شیم فاستجاب لهم ربهم<sup>۵</sup> به مشام روزگار همایون آثار رساند  
و بر گلزار اختصاصش از ترشح جویبار فضلها رها بقبول حسن و انتہائیاناً حسناً<sup>۶</sup>  
هر گونه مراد شاخ سار دل امیدوار شکفته گرداند.

تجیاتی که چون از دل بر آید	همه روحانیان را جان فزاید
شیم آن در این فیروزه منظر	دماغ قدسیان دارد معطر

صادر از جریان حب قدیم و ناشی از فیضان و دصمیم مصحوب و فود صدق و  
صفا و مبلدق به جنود خلوص عقیدت و ولا ارسال می‌دارد و شاه راه بی اشتباه مراسلات  
علیه و طریق توفیق رفیق مفاوضات سنبه مفتوح و مسلوک می‌گرداند. درر اخلاص که  
بنا بر هر گونه موانع زمان و حوادث دوزان تا اکنون در خزانه غیب مخزون و در کنج  
خانه لاریب مکتون بود به حکم قهرمان وقت و او ان در سلك اظهار و بیان و در رشته  
اشتهار و عیان تنظیم یافت.

بجهم و بحبونه <sup>۷</sup> چنین فرمود	که انقاد محبت ز جانب ما بود
---------------------------------------	-----------------------------

بعد از عرض صحایف خیر افاضات اخلاص آیات و اهدای مراسم تسلیحات  
مسکية الفحاحات به عز اصفا و شرف آنها می‌رساند که چون در خلال این ابام سعادت  
انجام و در تضاعیف این اوقات خجسته فرجام اعلی حضرت پادشاه اسلام و خاقان  
فریدون حشمت سلیمان مقام الملك العادل التاهر و السلطان الیادل الباهر بر مصدوقه<sup>۸</sup>  
و انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر<sup>۹</sup> که همیشه معمار بیوت الله و پیوسته در

تعمیر بلاد الله است. خاطرش تشنه و آسایش خلق آب حیات همتش خسرو و معموره عالم شیرین آنچه گردد دل او شقیته و واله آن روتق شرع مطهر بود و قوت دین در دار السلطنة استانبول بناء مسجد اساس علی التقوی واحداث ثانی مسجد اقصی فرمودند .

مسجد جامعی زعین صفا ثانی اثین مسجد اقصی و آثار و البیت المعمور والسقف المرفوع منظور و مسموع عالمیان گردانیده

تا داده روزگار به عالم صلاهی خیر نهاد هیچ فرد به از این دعای خیر رجا به حرمت آنانی که در بوادی و براری و من یجاهد فی سبیل الله، منازل و مراحل طریق یاتین من کل فج عمیق<sup>۳</sup>، با رفیق توفیق به پای اخلاص از سر تحقیق، به پایان برده اند و مقصود دو جهانی به دست آورده به ردای محبت و ولا از تار و پود صدق و صفا احرام و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً<sup>۴</sup> بسته به طواف قبله دین و کعبه یقین و جعلنا البیت مثابة للناس و اماناً رسیده اند که بنای قدیم و جدید آن خسرو کامکار و سلیمان روزگار همواره چون بنای ارم ذات العماد التي لم یخلق مثلها فی البلاد<sup>۵</sup> مشید و مستحکم باد. به حق کعبه و اهلس که کرد کعبه بنا.

بنا بر طریقه موافقت در این خیر صحبت، بندگان نواب کامیاب خلد الله ملکه و سلطانه، چند مجلد از مصاحف مجید و کلام حمید بدان صوب صواب نما اهدا فرموده اند که در مسجد مزبور صلحا و اتقیای امت محمدی و ملت احمدی علیه من- الصلوات افضلها و من التسلیمات اکملها به تلاوت آن اشتغال نموده ثبوتات آن خیر به روزگار خجسته آثار آن خسرو کامکار و آن پادشاه گردون اقتدار عابد و واصل بود. ان شاء الله العزیز.

توقع از اشفاق آن مخدومه آفاق آن که در محل فرصت و مجال به بهترین

فرجام می نماید. امید که نوعروس دعای بی دریغی مجبان صادق الولاد در دامادخانه اجابت به عزاستجابت مقرون باد.

الهی تاجهان را آب و رنگ است	فلک را دور و گیتی را درنگ است
فراخی ده ز اقبالش جهان را	ز چترش سر بلندی آسمان را
متع دارش از عمر و جوانی	زهر چیزش فزون ده زندگانی*

### نامة دیگر مریم بیگم به مادرش

فدوة الصالحات ، اسوة المخدرات ، عظمت پناه عصمت دستگاه جلال  
نصاب معالی انتساب جليلة الذات ، غنية الصفات والسدة معظمة مکرمة محتشمه  
عمت بیامن عظمتها وعصمتها وجلالتها ومعاليها وحشمتها واقبالها العالیة را به تجدید  
صوالح تحیاتی مجدد عهد محبت قدسی وشرایط تسلیمانی ، مؤکد میانی خلعت و  
مودت صمیمی متحف ومرسل داشته منهای رأی صواب نما آن که چسبون از سلامتی  
حالات غایت غایب ذات ستوده صفات ایشان شعوری واطلاعی حاصل نشده وهواره  
خاطر متعلق استعمال آن است به وسیله رافع صحیفه الخلافة معتمد ووجه رضوان که  
به واسطه معذرت تفسیرات و مراعات لوازم نفقه بدان صوب با صواب می رسد اعلام  
و اخبار فرمایند و مساعله در رعایت رسایل از زیاد انتخاب تجویز نفرمایند. برکات عفت  
وعصمت بماناد والسلام \*

تصویر شماره ۲

### نامة مریم بیگم به مادرش

عالی جباه عظمت و عصمت پناه ، عفت و عیانت دستگاه ، مقتدای اعظم  
المخدرات العالیات ، جلیل القدر رفیع الشأن غنی الذات سبيرة سالحة مکرمة  
محتشمة عطوفه والهدام سلطاتم حفظها الله تمالی عن السكره و ضاعف اجلالها الى  
یوم القيام دعوات صالحات اخلاص آیات و تسلیمات طیبات اختصاص غایب که  
تجدید قواعد مودت و تأکید میانی خلعت و محبت توانند بود نموده قبول فرموده  
آرزومندی به شرف مواصلت کثیرة المعادة فزون زحیر تحریر و حوزة تقریر تصور  
نمایند. حقا که چنین است و در این هیچ سخن نیست.  
بعد هذا منهای رأی رفیع آن که چسبون سیادت نصاب جلالت مناب رفعت  
انتساب، خلف الاعظم و الأماجد، صفی خان لله زاودة این فرزند کثیر الاخلاص است  
و به واسطه عرض مطالب واستدعای مآرب به درگاه خلایق پناه نواب کامیاب اشرف  
القدس می رسد، می تواند بود که تلقی مقالاتی که معروض خواهد داشت نموده امداد  
واسعاد و مکرمت و اشفاق میفول دارند و نوعی سازند که به میان مکالم ایشان  
تنفی العرام شود . عمر ما طویل وظلها جلیل والسلام \*

تصویر شماره ۳

### نامة مریم بیگم به خواهرش زینب بیگم

مقتدای اعظم النسوان فی الزمان ، خلاصة المخدرات والمعظمت فی الدوران.  
خدیجة مکرمة صبیة جليلة الذات غنية الصفات، محتشمة معظمة سبيرة سالحة عطوفه  
مستبره ام زینب بیگم حفظت بموافقة التوفیق و مساعده المعادة عن الاحتلال و خلعت  
بالعطفة والتسکین الى یوم الامانی والامال را مجدداً بنایح نجسانی منبت از  
محض اخلاص و اعتقاد متحف و مهدی داشته منهای رأی رفیع صوابینمای آن که چون  
خلف السادات ذوی السعادات، رفعت و اقبال نصاب جلالت و معالی مناب صفی خان  
له زاودة این مخلص است و به واسطه عرض مدحیات و شرح مثنیسات به ملازمت  
می رسد و ملاحظه حقوق آبا و اجداد گرام او از لوازم است، ترصد می رود که مکرمت  
نموده تلقی مقالاتی که معروض خواهد داشت نمایند و نوعی فرمایند که به میان  
مکالم کاملة ایشان مهمات اوصورت تمسیت یابد .  
ایام عصمت و عظمت بردوام و جریان ایام بروقی مرام باد \*

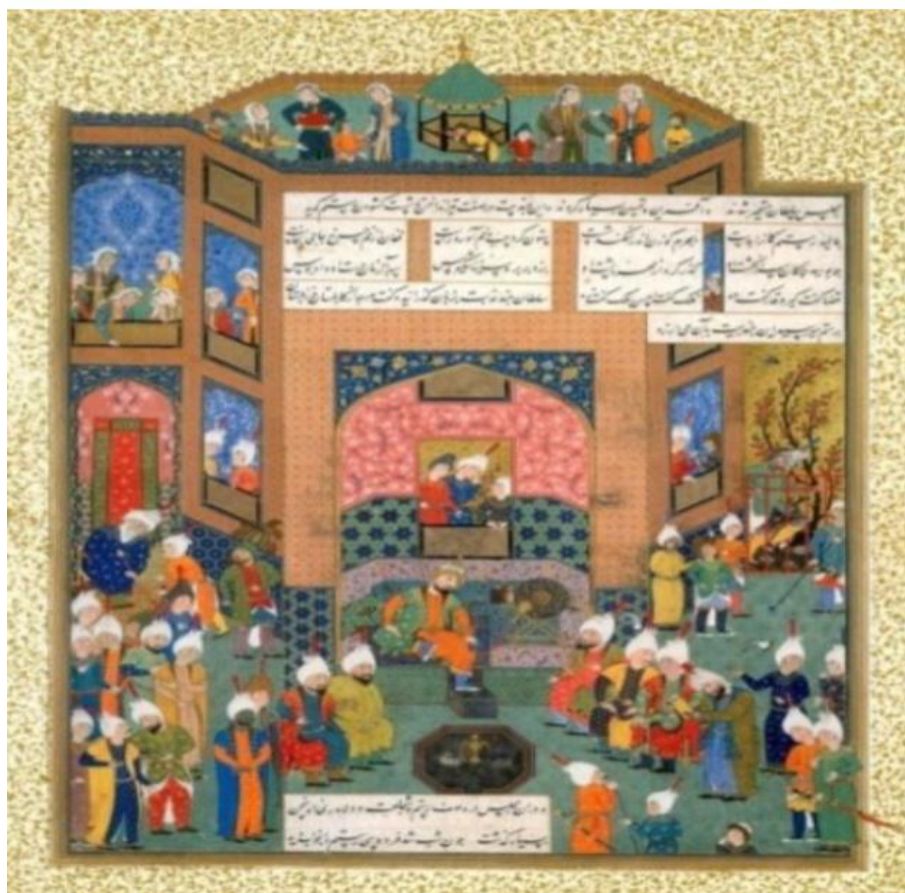
تصویر شماره ۴

صورتی این اشرف الهدایا را به عرض اشرف اعلی رسانند و چون نواب کامیاب، در وقت استماع خبر اتمام آن بنای خیر، اراده و نیت فرموده اند که در این جانب به جهت آن مسجد معلی مرتبت قالیهای اعلی ساختن فرموده بدان صوب فرستند و در اصل کتابت بندگان نواب عالی جاه که به حضرت پادشاه عالم پناه نوشته اند دو کلمه در این باب مرقوم شده التماس از آن حضرت عصمت و عطوفت شعار آن که کمیت و کیفیت طول و عرض و طرح و رنگ و نقش آن را تشخیص دهند و حقیقت اعلام فرمایند تا بر حسب فرموده قالیهای مزبوره را اتمام داده ارسال شود و مثنویات آن خیر نیز به ایام فرخنده فرجام بندگی حضرت پادشاه اسلام عاید گردد و چون قضیه مصالحت و رفع کدورت در اول مرتبه به وسیله امداد آن علیاحضرت عطوفت آثار و حضرت وزیر اعظم نسام دار متبوع الکبراء والوزراء فی الاقطار و الامصار، ابدالله تعالی ظلال افضالهما واحسانهما الی یوم القرار شده در این مرتبه نیز نوعی فرمایند که تأکید قواعد محبت و تشبیه معاهد مودت هم از جانب ایشان باشد چنانچه آثار آن بر جمهور عالمیان سمت ظهور یافته نتایج خیر آن به بیشتر مسلمانان عاید شود بحق - من لانی بعده حقا و بعزّة الله تعالی که تاقضیه اصلاح ذات البین به انجام رسیده و رفع غوایل از طرفین شده تمام اهل ایران وسادات واجب الاحترام و علمای اعلام و مشایخ فخام و اتقیای کرام و حجاج بیت الله الحرام و زوار مدینه طیبه سیدالانام و عتبات عالیات، مشاهد ائمه عظام علی ساکنها اشرف الصلوٰة والسلام از ذکور و اناث و صغیر و کبیر و غنی و فقیر و جوان و پیر از هفت ساله تا هفتاد ساله همیشه به دعا و بقای سلطنت و جاه و حشمت اعلی حضرت سلیمان مکانی اشتغال داشته اند و دارند و بی شک آن حضرت بلیس منزلت و وزیر اعظم آصف مرتبت که بانی و باعث این خیر بودند به مقتضای الدال علی الخیر کفاحه در ثواب رفاهیت عالمیان و امنیت جهانیان شریک و سهمی اند.

چون لایق نبود که نقد اوقات شریفه آن مخدّره مهد عصمت و محجوبه تنق سلطنت و طهارت را که همواره تا قیام قیامت از دیده حساد مخفی باد مرکز عرضه ضیاع سازد، بنا بر این قطع طناب اطناب در هرباب نموده به دعای ایام سلطنت روز افزون که مدام از صولت تطاول زمان محروس و مصون باد اختتام کلام اخلاص

تصویر شماره ۶

نمایان نمودن فردوسی هنرش را به سلطان محمود غزنوی  
شاهنامه شاه تهماسبی، ۹۲۸-۹۴۶ ق.





تصویر شماره ۷  
بهرام در گنبد کبود  
شش مثنوی  
۹۸۷ق.



تصویر شماره ۸  
لیلی و مجنون در مکتب  
خمسه نظامی، ۱۰۱۰ق.



تصویر شماره ۹  
رفتن بهرام گور در شکارگاه با آزاده  
کلیات امیر علیشیر نوایی  
۹۳۳-۹۳۴ق.